

En



سُورَةُ الصّٰفٰتِ

بہ خط ابوالحسن مظہر نے نگارش آسان

سوره ۳۷ - ۱۸۲ آیه - مکی ﴿ سُورَةُ الصَّافَّاتِ ﴾

Surah 37: (As-Saaffaat)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



۳

وَالصَّافَاتِ صَفًا

۱

قسم به صف زدگان (چون فوج فرشتگان یا نمازگزاران یا سپاه اهل ایمان) که صف آرایی

As the Ranks are drawn up, (1)

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا

۲

کرده‌اند. (۱) قسم به منع و زجرکنندگان (از عمل معصیت کاران، یا رانندگان ابرو باران). (۲)

rebuking with restraint (2)



فَالْتَالِيَاتِ ذِكْرًا



قسم به تلاوت کنندگان ذکر (همه کتب آسمانی یا آیات قرآن). (۳)
and reciting a Reminder, (3)

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ



که محققاً خدای شما یکی است. (۴)
your God is One [Alone], (4)



رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

همان خدای یکتا که آفریننده آسمانها و زمین است

Lord of Heaven and Earth

وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ

و هر چه بین آنهاست و آفریننده مشرقها (و مغربها) است. (۵)

and whatever lies between them, plus Lord of the Eastern parts! (5)

٦
إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا

ما نزدیکترین آسمان را

We have beautified the worldly sky

بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ
٦

به زیور انجم بیاراستیم. (٦)

with the splendor of stars (6)



وَ حِفْظًا

و (به شهاب آن انجم) از تسلط
plus a safeguard


 مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ

هر شیطان سرکش گمراه محفوظ داشتیم. (۷)
against every stubborn devil (7)



٨
لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

تا شیاطین هیچ از وحی و سخنان فرشتگان عالم بالا نشنوند
so they may not listen to the supreme council

وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ

و از هر طرف به قهر رانده شوند. (٨)
and are hurled forth on every side. (8)



دُحُورًا

هم به قهر برانندشان

Driven away,

وَلَهُمْ عَذَابٌ وَّاصِبٌ ۙ

و هم به عذاب دائم (قیامت) گرفتار شوند. (۹)

they will have lingering torment (9)



۱۰
إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ

جز آنکه کسی (از شیاطین چون خواهد از عالم بالا) خبری بریاید،
except for someone who tries to eavesdrop

فَاتَّبَعَهُ وَ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ۱۰

هم او را تیر شهاب فروزان تعقیب کند. (۱۰)
so that a blazing meteor follows him. (10)



فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلَقًا

از این منکران قیامت بپرس که آیا خلقت آنها سخت تر است

Ask their opinion whether they

أَمْ مَنْ خَلَقْنَا

یا موجودات (با عظمت) دیگر که ما خلق کرده ایم؟

or someone We created have been created stronger.





إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ

و ما اینان را در اول از گل چسبنده بیافریدیم. (۱۱)

We created them from sticky clay. (11)



بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ

بلکه تو (از انکار منکران) تعجب کردی و آنها هم به تمسخر پرداختند. (۱۲)

Rather you have been surprised as they sneered; (12)



۱۳

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ

و هر گاه به آنها پند و اندرز دهند هیچ متذکر نمی شوند. (۱۳)
 yet whenever they are reminded, they do not recall anything. (13)

۱۴

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ

و چون آیت و معجزی مشاهده کنند باز هم به فسوس و مسخره پردازند. (۱۴)
 Whenever they see some sign, they make fun of it (14)



وَقَالُوا إِن هَذَا

و گویند: این خود پیداست
and say: "This is

إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۱۵

که سحری بیش نیست. (۱۵)
just sheer magic! (15)



أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا

(و با تعجب و انکار گویند) آیا چون ما مردیم و خاک و استخوان پوسیده شدیم
When we have died and become dust and bones,

أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

۱۶

باز زنده و برانگیخته می شویم؟ (۱۶)
will we be raised up again? (16)



أَوَءَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ۱۷

یا پدران گذشته ما زنده می شوند؟! (۱۷)
Along with our earliest forefathers?" (17)

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ۱۸

بگو: آری شما (و هم پدرانتان) خوار و ذلیل به محشر مبعوث خواهید شد. (۱۸)
SAY: "Yes, and you yourselves abashed." (18)



فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ

تنها به یک صیحه (اسرافیل) است

There will only be a single rebuke and then,

فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ

۱۹

که ناگاه همه (زنده شده و از قبرها بر خیزند و عرصه قیامت را) بنگرند. (۱۹)

they shall see! (19)



وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا

و گویند: ای وای بر ما،

They will say: "How awful it is for us:



هَذَا يَوْمُ الدِّينِ

این است روز جزای اعمال. (۲۰)

this is the Day for Repayment! (20)



هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي

این است روز حکم (بر نیک و بد)

This is the day for sorting things out



ع

كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ

که شما تکذیب آن می کردید. (۲۱)

which you have been denying." (21)



أَحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ

(و خطاب شود که) اینک ستمکاران را حاضر کنید با همسران (یا پیروان)

Summon the ones who have done wrong plus their spouses,

وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ

۲۲

و آنچه معبود ایشان بود، (۲۲)

and anything they have been worshipping (22)



مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ

که به جز خدا می پرستیدند،

instead of God; lead them along

إِلَى صِرَاطٍ الْجَحِيمِ ۲۳

و همه را به راه دوزخ راه نمایید. (۲۳)

the road towards Hades. (23)



وَقِفُوهُمْ

و (در موقف حساب) نگاهشان دارید
Stop them!

۲۴

إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ

که در کارشان سخت مسئولند. (۲۴)
They must be questioned: (24)



مَا لَكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ ﴿٢٥﴾

(به آنان خطاب شود که) چرا شما (در دفع عذاب) به یکدیگر نصرت نمی‌کنید؟ (۲۵)
 "What's wrong with you that you do not support each other?" (25)

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿٢٦﴾

بلکه در این روز آنها همه سخت تسلیم و ذلیلند. (۲۶)
 Rather today they are surrendering. (26)



وَأَقْبِلَ بَعْضُهُمْ

و در آن هنگامه برخی از آنان به بعضی دیگر رو نموده

Some of them will step forth

عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

(یعنی مرئوسین با رؤسا) سؤال و جواب کنند. (۲۷)

to question one another. (27)



قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا

گویند: شما بودید که از سمت راست (و چپ)
They will say: "You used to come at us

عَنِ الْيَمِينِ

۲۸

برای فریب) ما می آمدید. (۲۸)
from the right." (28)



قَالُوا

آنها جواب دهند

They will say:

بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۲۹

(که به ما مربوط نیست) بلکه شما خود ایمان نیاوردید. (۲۹)

"Rather, you were not believers! (29)



وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ

و ما بر شما تسلط و حجتی نداشتیم

We have no authority over you.

۳۰

بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِيًّا

بلکه شما خودتان طاغی و سرکش مردمی بودید. (۳۰)

Instead you have been such arrogant folk. (30)



فَحَقُّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا ۚ

پس امروز بر همه ما وعده (انتقام) خدایمان حتمی است،
Our Lord's sentence has been confirmed against us;

إِنَّا لَذَائِقُونَ

۳۱

و البته عذاب را خواهیم چشید. (۳۱)
we are indeed tasting it! (31)



فَاغْوَيْنَاكُمْ

و ما شما را بدین سبب گمراه کردیم
We lured you on;

۳۲

إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ

که خود گمراه بودیم. (۳۲)
we were seducers." (32)



فَانِهِمْ يَوْمَئِذٍ

و در آن روز آنها

They will become partners

۳۳
فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ

همه در عذاب مشترکند. (۳۳)

in torment on that day. (33)



إِنَّا كَذِبٌ

ما چنین

Thus We deal

۳۴

نَفَعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ

از بدکاران انتقام می کشیم. (۳۴)

with criminals! (34)



إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید)

They have acted so proudly whenever:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾

به ایشان گفته می شد (از قبول آن) سرکشی می کردند. (۳۵)

"There is no deity except God [Alone]" was said to them, (35)



وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرِكُوا ءَالِهَتِنَا

و می گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای

and they were saying: "Should we abandon our gods

۳۶

لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ

دست از خدایان خود برداریم؟! (۳۶) (چنین نیست که آنها پنداشتند)

for a crazy poet?" (36)



بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ

بلکه (محمد ص) پیغمبر بزرگی است که برای تعلیم و هدایت خلق عالم) با برهان

Rather he has brought the Truth

وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ



روشن حق آمد و (حجت و معجزاتش) صدق پیغمبران پیشین را نیز اثبات کرد. (۳۷)

and vouches for the emissaries. (37)



۳۸

إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ

شما (که او را تکذیب کردید، امروز) عذاب سخت و دردناک خواهید چشید. (۳۸)

Yet you will taste painful torment (38)

۳۹

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و جز به کردارتان مجازات نمی شوید. (۳۹)

and only be rewarded for what you have been doing, (39)



۴۰

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

(امروز همه مسئولند) جز بندگان پاک برگزیده خدا. (۴۰)

except for God's sincere servants. (40)

۴۱

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ

آنان را (در بهشت ابد) روزی جسمانی و روحانی (بی حساب) معین است. (۴۱)

Those will have an acknowledged provision (41)



فَوَاكِهَ وَهُم مُّكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾

میوه‌های گوناگون بهشتی، و هم آنها (در آن عالم جاودانی) بزرگوار و
of fruit, and will be honored (42)

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾

محترمند. (۴۲) در آن بهشت پر نعمت متنعمند. (۴۳)
in gardens of Bliss (43)



۴۴

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ

بر تختهای عالی روبه روی یکدیگر نشسته اند. (۴۴)

facing one another on couches. (44)

۴۵

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ

(حور و غلمان) با جام شراب طهور بر آنان دور می زنند. (۴۵)

A cup will be passed around for them from a clear spring (45)



بِيضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ﴿٤٦﴾

شرابی سپید و روشن که آشامندگان لذت کامل برند. (۴۶)
 [which will be] delicious for anyone who drinks from it! (46)

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ﴿٤٧﴾

نه در آن می، خمار و دردسری و نه مستی و مدهوشی است. (۴۷)
 There will be no hangover from it nor will they feel exhausted by it. (47)

وَ عِنْدَهُمْ

و در بزم حضورشان

With them

قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عَيْنٌ

۴۸

حوران زیباچشمی است که (جز به شوهر خود) به هیچ کس ننگرند. (۴۸)

will be bashful women whose eyes will sparkle (48)



كَانَهُنَّ

گویی آن حوران (در سفیدی و لطافت) بیضه مکنوند [یعنی تخم شتر مرغ که بسیار
as if they

بَيِّضْنَ مَكْنُونٍ ٤٩

خوشرنگ است و شتر مرغ آن را با پر خویش می پوشاند تا غبار بر آن ننشیند. (م)
were hidden [like hatching] eggs. (49)



فَأَقْبِلَ بَعْضُهُمْ

(۴۹)

Some of them will step forward

عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

در آنجا مؤمنان بعضی با بعضی به صحبت روی کنند. (۵۰)
to question one another. (50)



قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ

یکی از آنها گوید: (ای رفیقان بهشتی)

Someone among them will speak up and say:

إِنِّي كَانَتْ لِي قَرِينٌ (۵۱)

مرا (در دنیا) همنشینی (کافر) بود. (۵۱)

"Once there was a soulmate of mine (51)



يَقُولُ

که با من می گفت:
who used to say:

أَءَنْتَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ۵۲

آیا تو (وعده‌های بهشت و قیامت را) باور می کنی؟ (۵۲)
'Have you become convinced? (52)



أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا

آیا چون مردیم و استخوان ما خاک راه شد
When we have died and become dust and bones,

أَإِنَّا لَمَدِينُونَ

۵۳

باز (زنده شویم و) پاداش و کیفری یابیم؟ (۵۳)
will we be called to account?" (53)



قَالَ

باز (این گویندهٔ بهشتی به رفیقان) گوید:

He will say:

۵۴

هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ

آیا می خواهید نظر کنید (و آن رفیق کافر را اینک در دوزخ بنگرید)؟ (۵۴)

"Will you (all) just take a look?" (54)



۵۵

فَاطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ

آن گاه خود بنگرد و او را در میان دوزخ (معذب) بیند. (۵۵)

"So he did look down and saw he was [standing] in the midst of

۵۶

قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدْتُ لِتُرْدِينِ

به او گوید: قسم به خدا که نزدیک بود مرا (همچون خود) هلاک گردانی. (۵۶)

Hades! (55) He said: 'By God, you have almost ruined me! (56)



وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي

و اگر نعمت و لطف خدای من (نگهدار) نبود،

If it were not for my Lord's favor,

لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

من هم به دوزخ (نزد تو) از حاضر شدگان بودم. (۵۷)

I'd have been made to appear. (57)



أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ إِلَّا

(و از خوشحالی گوید) آیا دیگر ما را مرگی نخواهد بود؟ (۵۸) جز همان

Aren't we mortal (58) except

مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

مرگ اول (که در دنیا مردیم) و دیگر هیچ رنج و عذابی بر ما نخواهد بود؟ (۵۹)

for our first death? Will we not be punished? (59)



إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾

این است همان سعادت و رستگاری بزرگ. (۶۰) آنان که سعی و عملی می کنند
This is the splendid Achievement!" (60)

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾

باید بر مثل این (بهشت جاودانی) کنند (نه بر دنیای دو روزه فانی). (۶۱)
For such as this let workers toil. (61)



أَذِلِّكَ خَيْرٌ نَزْلًا أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ ۚ (۶۲)

آیا این پذیرایی (و مقام عالی) بهتر است یا درخت زقوم جهنم؟ (۶۲)
Is that a better welcome or is the Infernal Tree? (62)

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ۚ (۶۳)

که آن درخت را ما بلای جان ستمکاران عالم گردانیدیم. (۶۳)
We have placed it as a trial for wrongdoers. (63)



۶۴

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ

آن زقوم به حقیقت درختی است که از بن دوزخ برآید. (۶۴)
It is a tree that rises from the depths of Hades. (64)

۶۵

طَلَعُهَا كَأَنَّهُ رِءُوسُ الشَّيَاطِينِ

میوه‌اش (در خباثت) گویی سرهای شیاطین است. (۶۵)
Its cluster [of fruit] looks like devils' heads; (65)



فَإِنَّهُمْ لَأَكْلُونَ مِنْهَا

اهل دوزخ از آن درخت (خباثت) آن طور می خورند
they will eat some of it

فَمَا لِيُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾

که شکمها پر می سازند. (۶۶)
and fill their stomachs with it. (66)



۶۷

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ

پس از خوردن زقوم دوزخ بر آنها آمیزه‌ای از شراب سوزان خواهد بود. (۶۷)

Then on top of it, they will have a concoction made from bathwater

۶۸

ثُمَّ إِنَّ مَرَجِعَهُمْ إِلَىٰ الْجَحِيمِ

و باز هم رجوعشان به سوی (عذاب دایم) جهنم است. (۶۸)

[to drink]. (67) Then their return must be to Hades. (68)



۶۹

إِنَّهُمْ الْفَوَّاءُ أَبَاءَهُمْ ضَالِّينَ

چرا که آنها پدرانشان را در ضلالت و گمراهی یافتند. (۶۹)

They discovered their forefathers had been misled (69)

۷۰

فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يَهْرَعُونَ

و باز از پی آنها شتابان می‌رفتند. (۷۰)

and yet they went scurrying along in their footsteps. (70)




 ۷۱

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ

و قبل از اينان بيشتر پيشينيان هم سخت گمراه بودند. (۷۱)

Most primitive men went astray before them, (71)


 ۷۲

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ

و ما رسولانی برای بیم و پند بر آنها فرستادیم. (۷۲)

even though We had sent warners out among them; (72)



فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ

(همه را تکذیب کردند) پس بنگر تا عاقبت کار آن امتهای بیم داده شده (گمراه) به چه
yet see what the outcome was for those who were warned, (73)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ۷۳

۷۴

(سختی و هلاکت) انجامید. (۷۳) جز بندگان پاک برگزیده خدا (همه هلاک شدند). (۷۴)
except for God's sincere servants. (74)

وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا

و همانا نوح ما را (بر یاری خود) ندا کرد
Noah called out to Us,

۷۵

فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ

و ما او را چه نیکو اجابت کردیم. (۷۵)
and how favored are those [like him] who respond! (75)



وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ

و او را با اهل بیتش (و پیروانش)
We saved him and his family

مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ

۷۶

همه را از اندوه و بلای بزرگ (هلاکت غرق) نجات دادیم. (۷۶)
from serious grief, (76)



وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾

و نژاد و اولاد او را روی زمین باقی داشتیم. (۷۷)
and set his offspring up as survivors. (77)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾

و در میان آیندگان نام نیکویش بگذاشتیم. (۷۸)
We left [mention] of him among later men: (78)



سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ۷۹

سلام و تحیت بر نوح (خداپرست) در میان عالمیان باد. (۷۹)
 "Peace be upon Noah throughout the Universe!" (79)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۸۰

ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم. (۸۰)
 Thus We reward those who act kindly: (80)



۸۱ إِنَّهُ وَ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

که او به حقیقت از بندگان با ایمان ما بود. (۸۱)
he was one of Our believing servants. (81)

۸۲ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ

آن‌گاه دیگران را همه غرق دریای هلاک گردانیدیم. (۸۲)
Then We let the rest drown. (82)



وَإِنْ مِنْ شَيْعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ ﴿٨٣﴾

واز پیروان نوح (در دعوت به توحید و خداپرستی) به حقیقت، ابراهیم (خلیل) بود. (۸۳)

To his sect belonged Abraham (83)

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ وَبِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾

که با قلبی پاک و سالم (از شرک) به سوی پروردگار خویش آمد. (۸۴)

when he came to his Lord with a sound heart (84)



إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ

هنگامی که با پدر (یعنی عموی) خود و قومش گفت:
as he said to his father and his people:

مَاذَا تَعْبُدُونَ

۱۵

شما به پرستش چه مشغولید؟ (۱۵)
"What are you worshipping? (85)



أَفْكَاءِ إِلَهَةٍ

آیا رواست که به دروغ، خدایانی

Is it some sham; do you want (other) gods

دُونِ اللَّهِ تُرِيدُونَ

۸۶

به جای خدای یکتا بر می‌گزینید؟ (۸۶)

instead of God [Himself]? (86)



فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾

پس در این صورت به خدای جهانیان چه گمان می برید (وازهرو انتقام خدا چگونه نمی ترسید)؟

What is your opinion concerning the Lord of the Universe?" (87)

فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿٨٨﴾

(۸۷) آن گاه (ابراهیم تدبیری اندیشید و) به ستارگان آسمان نگاه کرد. (۸۸)

So he took a glance at the stars (88)



فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ

۱۹

و با قومش گفت که من بیمارم (و نتوانم به جشن عید بتان آییم). (۱۹)
and said: "I feel heartsick!" (89)

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ

۹۰

قوم از او دست کشیده برگشتند (و از بتخانه در پی نشاط عید به باغ و صحرا شتافتند). (۹۰)
They turned their backs on him: (90)



۹۱

فَرَاغَ إِلَىٰ ءَالِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

ابراهیم (که بتخانه را خلوت یافت) قصد بت‌های آنان کرد و گفت: آیا شما غذا
so he shifted [his attention] to their (false) gods, and said: "Don't you

۹۲

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ

نمی‌خورید؟ (۹۱) چرا سخن نمی‌گویید؟ (شما چه خدایان بی‌اثر باطلی هستید!) (۹۲)
eat? (91) What is wrong with you that you don't utter a word?" (92)

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ٩٣

و محکم (با تبر) بر بتان زد (و جز بت بزرگ همه را درهم شکست). (۹۳)
He aimed a blow at them with his right hand. (93)

فَاقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ ٩٤

قوم (آگه شدند و) با شتاب (از پی انتقام) به سوی او آمدند. (۹۴)
They quickly pounced on him. (94)



قَالَ اتَّعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾

ابراهیم گفت: آیا رواست که شما چیزی به دست خود بتراشید و آن را پرستش
 He said: "Do you worship something you have been carving, (95)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾

کنید؟ (۹۵) در صورتی که شما و آنچه (از بتان) می‌سازید همه را خدا آفریده. (۹۶)
 while God created you and whatever you make?" (96)

قَالُوا ابْنُوا لَهُ وَبُنْيَانًا

(قوم حجت و برهانش نشنیدند و) گفتند:

They said: "Build him a pyre

فَالْقَوَاهِ فِي الْجَحِيمِ

۹۷

باید بر او آتشخانه‌ای بسازید و او را در آتش افکنید. (۹۷)

and cast him into Hades!" (97)



فَارَادُوا بِهِ كَيْدًا

نمرودیان قصد مکر و ستمش کردند، ما هم آنان را
They wanted to plot against him,

فَجَعَلْنَا هُمُ الْأَسْفَلِينَ

خوار و نابود ساختیم (و آتش را بر او گلستان کردیم). (۹۸)

so We made them come out on the shorter end of things. (98)



وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ

و ابراهیم (پس از نجات از بیداد نمرودیان به قومش) گفت: من (با کمال
He said; "I am going away to [meet] my Lord;

إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ۙ

۹۹

اخلاص) به سوی خدای خود می‌روم که البته هدایت‌م خواهد فرمود. (۹۹)
He will guide me! (99)



رَبِّ هَبْ لِي مِنْ الصَّالِحِينَ ﴿١٠٠﴾

بار الهما، مرا فرزند صالحی که از بندگان شایسته‌تو باشد عطا فرما. (۱۰۰)

My Lord, bestow some honorable men on me!" (100)

فَبَشِّرْنَا هُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾

پس مژده‌ پسر بردباری به او دادیم. (۱۰۱)

So We gave him news about an even-tempered boy. (101)



فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ

آن گاه که (آن پسر رشد یافت و) با او به سعی و عمل شتافت (یا در جهد و
When [the son] reached the stage of working alongside him,

قَالَ يَا بُنَيَّ

عبادت یا در سعی صفا و مروه با پدر همراه شد) ابراهیم گفت: ای فرزند عزیزم،
he said: "My son,



إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ

من در عالم خواب چنین می بینم که تو را قربانی (راه خدا) می کنم،
I saw in my sleep that I must sacrifice you.

إِنِّي أَذْجِبُكَ فَاَنْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ

در این واقعه تو را چه نظری است؟
Look for whatever you may see [in it]."



۷۷
قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي

جواب داد: ای پدر، هر چه مأموری انجام ده

He said: "My father, do anything you are ordered to;

۱۰۲
إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

که ان شاء الله مرا از بندگان با صبر و شکیبا خواهی یافت. (۱۰۲)

you will find me to be patient, if God so wishes." (102)



فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿١٠٣﴾

پس چون هر دو تسلیم امر حق گشتند و او را (برای کشتن) به روی درافکند. (۱۰۳)
 When they both had committed themselves peacefully [to God] and he

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿١٠٤﴾

و ما در آن حال (که کارد به گلویش کشید) خطاب کردیم که ای ابراهیم، (۱۰۴)
 had placed him face down, (103) We called out to him: "Abraham, (104)

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا ^{سج}

تو مأموریت عالم رؤیا را انجام دادی (کارد را از گلویش بردار).
you have already confirmed the dream!",

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ^{۱۰۵}

ما نیکو کاران را چنین نیکو پاداش می دهیم. (۱۰۵)
Thus We reward those who act kindly. (105)



۱۰۶ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ

این ابتلا همان امتحانی است که (حقیقت حال اهل ایمان را) روشن می کند (که در راه خدا

This was an obvious test. (106)

۱۰۷ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ

از هر چیزی می گذرند). (۱۰۶) و براو (گوسفندی فرستاده و) ذبح بزرگی فدا ساختیم. (۱۰۷)

We ransomed him by means of a splendid victim, (107)



۱۰۸

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و ثنای او را در میان آیندگان وا گذاردیم. (۱۰۸)
and left [him to be mentioned] among later men: (107)

۱۰۹

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

سلام و تحیت خدا بر ابراهیم باد. (۱۰۹)

"Peace be upon Abraham!" (109)



۱۱۰

كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

ما نیکویان را این چنین پاداش نیکو می دهیم. (۱۱۰)

Thus We reward those who act kindly. (110)

۱۱۱

اِنَّهُ و مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

زیرا او از بندگان با ایمان ما بود. (۱۱۱)

He was one of Our believing servants. (111)



وَبَشِّرْنَا هُ بِإِسْحَاقَ

و باز مژده فرزندش اسحاق را

We announced to him that Isaac

نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ

۱۱۲

که پیغمبری از شایستگان است به او دادیم. (۱۱۲)

would become a prophet who was honorable. (112)



وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ

و بر ابراهیم و اسحاق
We blessed both him

وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ

برکت و خیر بسیار عطا کردیم،
and Isaac;



وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ

و از فرزندان‌شان برخی صالح و نیکوکار
some of their offspring have acted kindly

و ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ

۱۱۳

و برخی دانسته و آشکار به نفس خود ستمکار شدند. (۱۱۳)
while others have clearly wronged themselves. (113)



وَلَقَدْ مَنَّا

و همانا ما

We endowed



عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

بر موسی و هارون منت گذاردیم. (۱۱۴)

Moses and Aaron (114)



وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا

وهر دو را با قومشان
and saved both them

۱۱۵ مِنْ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ

از بلای بزرگ (فرعونیان) نجات دادیم. (۱۱۵)
and their people from serious distress. (115)



وَنَصَرْنَا هُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٦﴾

و آنها را یاری دادیم تا (بر فرعونیان) به حقیقت غالب شدند. (۱۱۶)

We supported them and they became victorious; (116)

وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾

و به آن دو (پیغمبر) کتاب (تورات) روشن بیان را عطا کردیم. (۱۱۷)

and We gave them both the clarifying Book. (117)



۱۱۸

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

و هر دو را به راه راست (خداپرستی) هدایت کردیم. (۱۱۸)

We guided them along the Straight Road (118)

۱۱۹

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْأَخْرَبِ

و برایشان نام نیک در میان آیندگان باقی گذاردیم. (۱۱۹)

and left [mention] of them among later men; (119)



۹۰

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ

سلام و تحیت بر موسی و هارون باد. (۱۲۰)
Peace be upon Moses and Aaron!" (120)

إِنَّا كَذَلِكِ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

ما چنین نیکویان را پاداش نیکو می دهیم. (۱۲۱)
Thus We reward those who act kindly. (121)



۱۲۲

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

زیرا هر دو از بندگان خاص با ایمان ما بودند. (۱۲۲)

They were both Our believing servants. (122)

۱۲۳

وَإِنَّا إِلِيَّاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

و همانا الیاس یکی از رسولان بزرگ خدا بود. (۱۲۳)

Elijah was an emissary (123)



إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ

وقتی که قومش را گفت: آیا خداترس
when he told his folk:

الآتتقون
۱۲۴

و پرهیزکار نمی شوید (که ترک بت و خودپرستی کنید)؟ (۱۲۴)
"Will you not do your duty? (124)"



أَتَدْعُونَ بَعْلًا

آیا بت بَعْل نام را (خدا) می خوانید

Do you appeal to Ba'la

۱۲۵

وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ

و خدای بهترین آفریننده عالم را ترک می گوئید؟ (۱۲۵)

and ignore the Best Creator, (125)



اللَّهُ رَبُّكُمْ

همان خدایی که آفریننده شما

God your Lord,

وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

و پدران گذشته شماست (نه بتان جماد). (۱۲۶)

and your earliest forefathers' Lord?" (126)





فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

قوم الیاس (رسالت) او را تکذیب کردند، بدین سبب (برای انتقام و عذاب به محشر)

They rejected him, yet they were made to appear, (127)



إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

احضار می شوند. (۱۲۷) (و همه هلاک شوند) جز بندگان پاک و برگزیده خدا. (۱۲۸)

except for God's sincere servants. (128)



۱۲۹

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و از او در میان آیندگان نام نیکو باقی گذاردیم. (۱۲۹)

We left [mention] of him among later men: (129)

۱۳۰

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

سلام بر الیاس (و آل یاسین) باد. (۱۳۰)

"Peace be upon Elijah!" (130)



۱۳۱

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

ما نیکویان را چنین پاداش نیکو می دهیم. (۱۳۱)

Thus We reward those who act kindly; (131)

۱۳۲

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

زیرا او از بندگان خاص با ایمان ما بود. (۱۳۲)

he was one of Our believing servants. (132)



۱۳۳

وَإِن لُّوطًا لَّمِيزًا الْمُرْسَلِينَ

و لوط هم یکی از رسولان خدا بود. (۱۳۳)

Lot was an emissary (133)

۱۳۴

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ وَأَجْمَعِينَ

وقتی که ما (خواستیم قوم او را کیفر کنیم) او و اهل بیتش همه را نجات دادیم. (۱۳۴)

when We saved him and his entire family (134)



۱۳۵

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

به جز پیر زالی (همسر او) که در میان قومی که هلاک شدند باقی ماند. (۱۳۵)
except for an old woman who lagged behind. (135)

۱۳۶

ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ

پس (از نجات لوط و اهلش) دیگران که بدکار بودند همه را هلاک ساختیم. (۱۳۶)
Then We annihilated the rest; (136)



۱۳۷

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ

و شما مردم اینک بر دیار ویران قوم لوط می گذرید (و خرابه های آن را به چشم می نگرید)

You still pass by them in the morning (137)

۱۳۸

وَبِالْيَلِ ج أَفَلَا تَعْقِلُونَ ع

در صبح، (۱۳۷) و شام، آیا (چشم عبرت نمی گشایید و) عقل را کار نمی بندید؟ (۱۳۸)

and at night. Will you not use your reason? (138)



وَإِن يُونُسَ

و یونس نیز

Jonah was

لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

۱۳۹

یکی از رسولان بزرگ خدا بود. (۱۳۹)

an emissary (139)



إِذَا بَقِيَ

آن گاه که به کشتی پر جمعیتی گریخت (زیرا به قومش وعده عذاب داد و آنها از دل
when he deserted

إِلَى الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ١٤٠

توبه کردند و خدا رفع عذاب کرد. او به دریا گریخت تا نزد قوم خجل نرود). (۱۴۰)
to the laden ship, (140)



فَسَاهَمَ

(کشتی به خطر افتاد و گفتند خطا کاری در میان آنهاست، قرعه زدند تا خطا کار را بیابند)

gambled

۱۴۱

فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ

یونس قرعه زد و به نام خودش افتاد و از مغلوب شدگان (و غرق شوندگان) گردید. (۱۴۱)

and was one of those who lost out. (141)



فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾

و ماهی دریا او را به کام فرو برد و او در خور ملامت بود. (۱۴۲)
 The fish swallowed him while he was still to blame. (142)

فَلَوْلَا أَنَّهُ وَكَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾

و اگر او به ستایش و تسبیح خدا نپرداختی، (۱۴۳)
 If he had not been someone who glorified [God], (143)



لَلَّيْتِ فِي بَطْنِهِ

تا قیامت

he would have lingered on in its belly

۱۴۴

إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُونَ

در شکم ماهی زیست کردی. (۱۴۴)

until the day when they will be raised up again. (144)



فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ ﴿١٤٥﴾

باز او را (پس از چندین روز) از بطن ماهی به صحرای خشکی افکندیم

We flung him up on the empty shore

وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾

در حالی که بیمار و ناتوان بود. (۱۴۵)

and he [felt] heartsick. (145)



وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً

و (در آن صحرا) بر او درختی از کدو

We made a gourd tree

مِنْ يَقْطِينٍ

۱۴۶

رویانبیدیم (تا به برگش سایه بان و پوشش کند). (۱۴۶)

grow up over him (146)



وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ

و او را بر قومی بالغ بر صد هزار یا افزون
and sent him off to a hundred thousand [people]

أَوْ يَزِيدُونَ

۱۴۷

(به رسالت) فرستادیم. (۱۴۷)

or even more. (147)



فَأَمَّنُوا

و آن قوم چون ایمان آوردند ما هم تا هنگامی معین

They believed

فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

۱۴۸

(مدت عمر آن قوم، از نعمت خود) بهره‌مندشان گردانیدیم. (۱۴۸)

so We let them enjoy themselves for a while. (148)



فَاسْتَفْتِهِمَ الرَّبِّكَ الْبَنَاتُ

پس تو از این مشرکان (که فرشتگان را دختران خدا می خوانند) بپرس
Ask their opinion as to whether your Lord has daughters

وَلَهُمُ الْبُنُونَ

۱۴۹

که آیا خدا را فرزندان دختر است و آنان را پسر؟ (۱۴۹)
while they have sons; (149)



أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا

یا آنکه چون ما فرشتگان را خلق می کردیم آنجا حاضر بودند
or did We create the angels as females

وَهُمْ شَاهِدُونَ

۱۵۰

و دیدند که آنها را زن آفریدیم؟ (۱۵۰)
while they were looking on? (150)



۱۵۱
 أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ أَفْكَهٍ لَيَقُولُونَ

بدان که اینان (از جهل خود) بر خدا دروغی بسته و می‌گویند. (۱۵۱)

Are they not saying something they have trumped up with [the statement

۱۵۲
 وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

خدا را فرزند می‌باشد. البته دروغ می‌گویند. (۱۵۲)

that]: (151) "God has fathered something!" They are such liars! (152)

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ

آیا خدا دختران را

Would He select daughters



عَلَى الْبَنِينَ

بر پسران برگزید؟ (۱۵۳)

ahead of sons? (153)



۱۵۴

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

چرا چنین جاهلانه حکم می‌کنید؟ (۱۵۴)

What is wrong with you? How do you make decisions? (154)

۱۵۵

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

آیا (با این ادله روشن) باز متذکر نمی‌شوید؟ (۱۵۵)

Will you not be reminded? (155)



۱۵۶
 أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ

آیا (برای عقیده باطل خود) دلیل روشنی دارید؟ (۱۵۶)
 Or do you have some clear authority? (156)

۱۵۷
 فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

کتاب و برهان تان را بیاورید اگر راست می‌گویید. (۱۵۷)
 Bring on your scripture if you are so truthful! (157)



وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَ

و (فاسدتر از این عقیده آنکه) بین خدا
They have even placed a tie of kinship

وَيَبِّرُ الْجَنَّةِ نَسَبًا ج

و جنّ نسبت و خویشی برقرار کردند
between Him and the sprites.



وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ

در صورتی که جنیان می دانند که (این عقاید وهم و خرافات است

Yet the sprites well know

إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

۱۵۸

و به محشر برای کیفر) احضار خواهند شد. (۱۵۸)

that they too will be made to appear. (158)



۱۵۹

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ

خدا ذات پاکش از این اوصاف که (از جهل) به او نسبت می دهند منزّه است

Glory be to God over whatever they describe (159)

۱۶۰

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

(و همه شما مسئولید). (۱۵۹) جز بندگان پاک برگزیده خدا. (۱۶۰)

except for God's loyal servants! (160)



۱۶۱

فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ

که شما و معبودانتان، (۱۶۱)

You and anything you serve (161)

۱۶۲

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ

نتوانستید آنها را مفتون و گمراه کنید. (۱۶۲)

cannot incite anyone against Him (162)



۱۶۳

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ

جزآن کس را که اهل دوزخ است. (۱۶۳) (ای رسول ما، مشرکان را بگو که فرشتگان می گویند)
except for someone who will roast in Hades. (163)

۱۶۴

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ وَمَقَامٌ مَعْلُومٌ

هیچ کس از ما فرشتگان نیست جز آنکه او را (دربندگی حق) مقامی معین است. (۱۶۴)
There is none of us but he has an acknowledged status. (164)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ۝
 ۱۶۵

و همه (به فرمان خدا) نیکو صف آراسته ایم. (۱۶۵)

We are drawn up in ranks. (165)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ۝
 ۱۶۶

و دایم به تسبیح و ستایش او مشغولیم. (۱۶۶)

We are those who glorify [God]. (166)



۱۶۷

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُوا

و همانا کافران می گفتند. (۱۶۷)

There were some [people] saying: (167)

۱۶۸

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ

که اگر نزد ما کتابی از رسولان پیشین بود. (۱۶۸)

"If we only had a reminder from early men (168)



لَكُنَّا

ما هم البتہ
we should have

عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

۱۶۹

از بندگان برگزیده خدا می بودیم. (۱۶۹)
become God's loyal servants." (169)



فَكْفَرُوا بِهِ

و (دروغ می‌گفتند، زیرا آن قرآن بزرگ خدا آمد و) به آن کافر شدند
They have disbelieved in Him

۱۷۰

فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

و به زودی (کیفر خود را) خواهند دانست. (۱۷۰)
so they soon shall know! (170)



وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا

و همانا عهد ما دربارهٔ بندگانی که به رسالت فرستادیم

Our word has already gone on ahead



لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ

(چنین در علم ازلی) سبقت گرفته است. (۱۷۱)

to Our servants who were sent forth; (171)



إِنَّهُمْ

که البته آنها
they

۱۷۲

لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ

(بر کافران) فتح و فیروزی یابند. (۱۷۲)
will indeed be supported. (172)



وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ۱۷۳

و همیشه سپاه ما (بر دشمن) غالبند. (۱۷۳)

Our army will be victorious over them! (173)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ۱۷۴

پس اینک روی از آنها بگردان تا به وقتی معین. (۱۷۴) و (عذاب دنیا و آخرت)

Turn aside from them for a while; (174)



۱۷۵

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

آنها را به چشم ببین که آنها هم به زودی (فتح و فیروزی تو را) خواهند دید. (۱۷۵)
watch them, for they too will be made to watch. (175)

۱۷۶

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

آیا کافران (به تمسخر، از تو) عذاب ما را با تعجیل می طلبند؟ (۱۷۶)
Do they seek to hasten Our torment? (176)



فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ

(بدانند که) چون عذاب قهر الهی پیرامون دیارشان فرود آید (بر آن کافران

Whenever it settles down into their courtyard, how dismal

فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ

۱۷۷

شبی بگذرد که) صبح بسیار بدی خواهند داشت. (۱۷۷)

will be the morning for those who have been forewarned! (177)



وَتَوَلَّ عَنْهُمْ

اینک روی از آنها بگردان
Turn aside from them

۱۷۸

حَتَّىٰ حِينٍ

تا به وقتی معین. (۱۷۸)
for a while; (178)



وَأَبْصِرْ

و (عذاب و ذلت آنها را) به چشم ببین که آنها هم به زودی
watch,

فَسَوْفَ يَبْصِرُونَ ۱۷۹

(فتح و فیروزی تو را) خواهند دید. (۱۷۹)
for they too will have to watch. (179)



سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ

پاک و منزه است پروردگار تو که خدایی مقتدر و بی همتاست
Glory be to your Lord, the Lord of Grandeur,

عَمَّا يَصِفُونَ



و از توصیف (جاهلانۀ) خلق مبرّاست. (۱۸۰)
beyond what they describe! (180)



وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

۱۸۱

و سلام و تحیت الهی بر رسولان گرامی او باد. (۱۸۱)

Peace be on the emissaries! (181)

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۱۸۲

و ستایش مخصوص خداست که آفریننده جهان ها و جهانیان است. (۱۸۲)

Praise be to God, Lord of the Universe! (182)





Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



www.negareh-asan.ir

نِگارِش
آسان